

عذاب وجدان پسری که دوستش را در تصادف از دست داد!

گروه حوادث - من هم مانند خیلی از جوانان وقتی سوار خودرو می شدم فقط پدال گاز را می فشردم و دیگر به هیچ چیز نمی اندیشیدم چرا که خودم را راننده‌ای چیره‌دست می پنداشتم و از سر غرور به رانندگانی که سرعت مجاز را رعایت می کردند به چشم حقارت می نگریستم اما روزی ورق برگشت و حادثه‌ای تلخ زندگی ام را نابود کرد ...

این‌ها بخشی از اظهارات جوان ۲۵ ساله‌ای است که برای پیگیری مراحل اداری مربوط به بیمه درمانی وارد مرکز نظامی شده بود. این جوان ویلچر نشین که مادرش او را همراهی می کرد درباره سرگذشت تاسف بار خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری قاسم آباد مشهد گفت: بعد از آن که تحصیلاتم را در دانشگاه به پایان رساندم، عازم خدمت سربازی شدم چرا که می خواستم زودتر کارت پایان خدمت را به دست بگیرم و برای ادامه تحصیل به خارج از کشور بروم.

آرزوهای زیادی را در سر می پروراندم و برای همین آرزوها تلاش می کردم. خلاصه بعد از طی دوران آموزش خدمت

سربازی ام را در همین کلانتری قاسم آباد به پایان رساندم و سپس مشغول مطالعه شدم تا بتوانم با رتبه بهتر بورسیه شوم که هزینه های تحصیلم را یکی از ادارات یا نهادهای دولتی بپردازد اما در همین روزها سوار خودرو می شدم تا امور شخصی خودم را انجام دهم اگر چه از دور دور کردن و ویرازهای خیابانی متفر بودم اما از سر غرور جوانی گاهی پدال گاز را می فشردم و از سرعت مجاز عبور می کردم.

ولی مدتی قبل زمانی که در یکی از بلوارهای خلوت قاسم آباد به حرکت خود ادامه می دادم ناگهان یک راننده دیگر با عبور از لابه لای خودروها سرعت و حشتناک خود را به رخ کشید و در یک لحظه چنان به خودروی من برخورد کرد که کنترل فرمان از دستم خارج شد و به شدت خودرو را به درخت حاشیه خیابان کوبیدم. یکی از دوستان صمیمی ام که سر نشین خودرو بود، در دم جان سپرد و مرا هم که بیهوش بودم نیروهای امدادی به مرکز درمانی رساندند. وقتی به هوش آمدم و فهمیدم دوست قربانی این سانحه رانندگی شده است دیگر عذاب وجدان رهایم نمی کرد هر

خبری که جامعه پزشکی را متعجب کرده



گروه حوادث - خانم دکتر متخصص بیمارانش را بیهوش و با اسکن چهره آنها اقدام به سرقت اموالشان می کرد.

یک پزشک زن متخصص در یکی از بیمارستان‌ها طعمه خود را به مرکز درمانی کشاند و بیهوش کردن بیمار ۱۹ هزار دلار از او سرقت کرد.

پرونده هنگامی در دسرای عمومی و انقلاب مشهد گشوده شد که شب پنجم اردیبهشت زنگ تلفن پلیس ۱۱۰ به صدا درآمد و خبری در بی سیم‌ها پیچید. مرد جوانی مدعی بود در یکی از بیمارستان‌های مشهد با تزریق دارو بیهوش شده و یکی از پزشکان متخصص ۱۹ هزار دلار از دیجیتال وی را از طریق گوشی تلفن همراهش سرقت کرده است.

با اعلام این خبر، بلافاصله گروهی از نیروهای گشت نظامی عازم بزرگراهی در جنوب مشهد شدند و مهر تایید بر درستی این خبر زدند. بررسی های پلیس با توجه به ادعاهای جوان ۳۰ ساله نشان داد: «م-س» (شاک) به دنبال اختلافات خانوادگی و مالی فریب نقشه‌های شیطانی و خطرناک را خورده و در یکی از بیمارستان‌های مشهد هدف سرقت قرار گرفته است.

با توجه به اهمیت و حساسیت ماجرا که به یکی از پزشکان متخصص مراکز درمانی مشهد گره خورده بود، این پرونده با دستور مقامات قضایی به شعبه ۲۰۴ دادرسی عمومی و انقلاب ارسال شد تا واکاوی ماجرا به یکی از قضات باتجربه سپرده شود.

اینگونه بود که با دستور مقام قضایی پزشک زن دستگیر شد و ساعتی بعد مقابل میز عدالت ایستاد و راه انکار را در پیش گرفت. در همین حال شاکي پرونده درباره چگونگی این ماجرای رمز آلود گفت: من بیماری میگردن دارم و دچار سردردهای و حشنتناکی می شوم تا حدی که تاب و توانم را از دست می دهم به همین دلیل همواره در جستجوی راهی برای درمان بودم که از این وضعیت نجات یابم تا اینکه مدتی قبل یکی از بستگانم که به عنوان پزشک متخصص در بیمارستان مشغول فعالیت است، به من پیام داد و روی کمیاب میگردن را پیدا کرده‌ام. او با پیام و تماس های مختلف این موضوع را پیگیری کرد تا سر دردهایم با تزریق آن دارو روند بهبودی را طی کند.

من هم که نمی دانستم چه نقشه‌ای در پس این ماجرا نهفته است، به طرف بیمارستان تخصصی به راه افتادم و شب هنگام وارد مرکز درمانی شدم. در این هنگام خانم دکتر به سراغم آمد و با همدستی فرد دیگری که همراهی او بود، دارویی را به من تزریق کرد که اول گیج شدم و دیگر چیزی نفهمیدم. وقتی به خود آمدم، دکتر گوشی تلفنم را داد و من دقیقی بعد متوجه سرقت بیش از ۱۹ هزار دلار ارز دیجیتالی شدم.

بن بود که به درگیری با خانم دکتر و همدست او پرداختم و از آنها خواستم در این باره



در خواست طلاق؛ تصمیم سخت زنی که همیشه تنها است!

داشتم. دپیلم خیاطی هم گرفته‌ام.
شوهرت به این جدایی راضی است؟
 راستش من خودم هر رضایت چندانی ندارم ولی می دانم هیچ راهی ندارم. اگر باو بمانم زندگی ام نابود می شود و دیگر رنگ آرامش را نمی بینم. صاحب کار گاهی که در آن کار می کردم قبلا از من خواستگاری کرده بود اما من قبول نکردم چون عاشق میشم بودم. اگر با آن مرد ازدواج کرده بودم پول و آرامش داشتم ولی من عشق را ترجیح دادم و میثم با اعتیادش همه باورهای من را خراب کرد.
حالا می خواهی چه کنی؟
 من روزهای سختی را می گذرانم. از ابتدای زندگی سسختی کشیدم. خودم خرچی خودم را دادم و حالا همکار می کنم و سعی می کنم با زندگی آرام و سسخت کنار بیایم.

همسر م بی توجهی کرد، او و دخترم را کشتیم!

بسرادش بی احترامی کنم. او قهر کرد و وقتی چای خواستم بی محلی کرد و دیگر کرد و من حرف نزد. من هم عصبانی شدم و او را کتک زدم.
 بهرام در ادامه گفت: زمان حادثه آنقدر عصبانی شدم که چاقو را از آشپز خانه برداشتم و زخم را زدم. از سر و صدای ایجاد شده دخترم سرو و پیدار شد. می دانستم اگر باز داشت شوم پدر و مادر مینا از بچه نگهداری می کنند. برای اینکه آنها دستشان به بچه من نرسد و را کشتیم. گفته‌های بهرام به قدری تکانه‌دهنده بود و این قاتل چنان آرام و راحت جزئیات قتل را بیان کرد که قضات او برای بررسی روانی به پزشکی قانونی معرفی کردند. قضات بعد از اعلام نظر پزشکی قانونی، برای تصمیم گیری وارد شور خواهند شد.

گروه حوادث - زنی که خانواده‌ای ندارد، بعد از دو سال زندگی مشترک تصمیم به طلاق گرفته است. نگار ۲۱ ساله است. او دو سال قبل ازدواج کرده و حالا تصمیم به طلاق گرفته است. نگار تنها زندگی می کند. او از روزهای تنهایی و دلیل تصمیمش برای طلاق به توضیح می دهد.
چرا با این عمر کوتاه زندگی مشترک، تصمیم به طلاق گرفت؟
 همسرم اعتیاد دار. من همه عمرم سختی کشیدم. می خواستم با ازدواج کمی راحت شوم که اعتیاد همسر همه چیز را خراب کرد.
با همسر چطور آشنا شدی؟
 در محل کار با هم آشنا شدیم. هر دو در یک کارگاه خیاطی کار می کردیم. آنجا آشنا شدیم و تصمیم گرفتیم ازدواج کنیم.

گروه حوادث - مردی که در جنابتی تکان دهند

همسر و دختر ۲ ساله اش را کشته، چنان عادی با این جنابت برخورد کرد که قضات او را برای بررسی روانی به پزشکی قانونی معرفی کردند.
 متهم که مردی ۳۰ ساله است یک سال قبل همسر ۲۵ ساله اش به نام مینا و دختر ۲ ساله اش به نام سروین را به قتل رسانده است. قتل هولناک این مادر و دختر توسط پدر خانواده به پلیس اطلاع داده شد. متهم که بهرام نام دارد، در همان ابتدا به قتل اعتراف کرد و گفت همسرش را به خاطر درگیری خانوادگی کشته است. مدتی بعد از این قتل، پدر و مادر مینا به دادرسی رفتند و اعلام گذشت کردند و گفتند هیچ چیز از دامادشان نمی خواهند.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

<h3>مفقودی</h3>	<h3>اپلیکیشن خدماتی</h3>	<h3>حمل بار</h3>	<h3>استخدام</h3>
<p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۶۷۴۱۷/۰۱ به نام ارسیا افشار مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد .</p>	<p>دوستم اپلیکیشن خدماتی کیش غذا، مارکت، خرید، دلپوری و ... www.Dustam.com ۰۹۹۶۶۷۷۳۴۳۷</p>	<p>حمل بار به تمام نقاط جزیره ۰۹۱۷۹۸۵۰۵۷۱</p>	<p>دعوت به همکاری بازاریاب امور بیمه ای مراجعه حضوری</p>
<p>اصل کارت اشتغال وحید افضلی با شماره پاسپورت ۰۳۵۴۳۰۶۳ p0 و شماره پروانه کار ۲۱۸۱۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد .</p>	<h3>لوازم یدکی</h3>	<p>حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰</p>	<p>مجتمع خدماتی سعدی طبقه اول غرفه ۲۲ ، بیمه تعاون</p>
<p>اصل کارت اشتغال عرفان شریف زاده با شماره پاسپورت ۰۳۵۴۳۴۲ p0 و شماره پروانه کار ۲۳۱۴۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد .</p>	<p>تهیه لوازم یدکی خودرو شما در سریعترین زمان ۰۹۱۱۲۱۱۱۸۲۸ جعفری</p>	<h3>پیرایشگاه</h3>	<p>استخدام منشی عصر ساکن کیش یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفیت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب</p>
<p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۱۳۲۳۴/۳۱ به نام مریم السادات وزیری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد .</p>	<h3>درب اتوماتیک</h3>	<p>پیرایش علیرضا ارائه جدیدترین متد روز خدمات پوست و مو آقایان</p>	<p>روزنامه اقتصاد کیش استخدام می کند خانم مسلط به شبکه های اجتماعی و فضای مجازی</p>
<p>۰۹۶۴۲۲۹۹۹۹ با یک تماسی مشترک شوید</p>	<p>درب های اتوماتیک دارکوب ۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲</p>	<p>نشانی : جزیره کیش ، فاز A ، پارک مینا ، مجتمع خدماتی پارسیان ، غرفه ۱۵ ۰۹۳۴۷۶۸۳۱۷۹ - ۰۹۱۲۸۶۳۹۱۷۹</p>	<p>برای فعالیت و مدیریت گروه ها تلفن هماهنگی: ۴۴۴۲۰۲۸۴</p>

صنایع چوب
حلاج کیش
 کلیه سفارشات
 MDF، چوبی
 دکوراسیون غرفه و منزل
 تلفن: ۰۷۶۹۸۲۵۲